

یادداشت

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۱۶

سریال PDN:

تدوین‌گر: وحید بزرگی

دانشیار مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، انتقال فناوری و حقوق مالکیت فکری

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، انتقال فناوری و حقوق مالکیت فکری

یکی از عوامل مهم در توسعه اقتصادی و فناورانه کشورها جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است، زیرا این نوع سرمایه‌گذاری علاوه بر سرمایه معمولاً با خود، فناوری و دانش مدیریت کارآمد را هم به کشور می‌آورد. ولی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در نتیجه انتقال فناوری به شرایط و عواملی نیاز دارد که یکی از آنها حمایت از حقوق مالکیت فکری است.

مطالعات تجربی بسیاری درباره تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر انتقال فناوری به سه شیوه عمده تجارت (صادرات محصولات پیشرفته)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اعطای لیسانس انجام گرفته است که نشان می‌دهد حمایت از حقوق مالکیت فکری در مجموع تأثیری مثبت بر انتقال فناوری به سه شیوه مذکور دارد. با این حال، این تأثیرگذاری به گونه‌ای ساده و یکدست صورت نمی‌گیرد و عوامل و ملاحظات دیگری به این تأثیرگذاری جهت می‌دهند. اولاً، از آنجا که شرکتهای خارجی در تجارت و صدور کالا از بیشترین کنترل و امنیت خاطر در مورد کالا و فناوری خود برخوردارند و این کنترل و امنیت خاطر به ترتیب در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اعطای لیسانس کمتر می‌شود، افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری با کاهش امکان تقلید و سوء استفاده باعث می‌شود که شرکتهای خارجی از تجارت و صدور کالا به سوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سپس اعطای لیسانس گرایش یابند. بدین ترتیب، حمایت از حقوق مالکیت فکری می‌تواند باعث تغییر شیوه انتقال فناوری شود.

ثانیاً، بسته به سطح پیشرفت یک فعالیت اقتصادی و سطح پیشرفت یا پیچیدگی یک صنعت یا محصول، تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری می‌تواند متفاوت باشد. مطالعات مذکور نشان می‌دهد که از یک سو در مراحل عالیتر تولید، حساسیت نسبت به حقوق مالکیت فکری افزایش می‌یابد و در زمینه تولید و تحقیق و توسعه بیشترین حساسیت ولی در زمینه فروش و توزیع کمترین حساسیت در مورد حقوق مالکیت فکری وجود دارد و از سوی دیگر بخشها و صنایع دارای فناوری و دانش پیشرفته‌تر- مثل تولید دارو،

لوازم آرایشی و محصولات بهداشتی؛ محصولات شیمیایی؛ ماشین آلات و تجهیزات؛ الکترونیک و رایانه؛ و لوازم برقی- در مقایسه با بخشها و صنایع دارای فناوری ساده تر- مانند پوشاک و منسوجات، سرهم بندی الکترونیک، توزیع و هتلداری- حساسیت بیشتری در مورد حقوق مالکیت فکری نشان می دهند. بر همین اساس نیز گفته شده است که افزایش حمایت از حقوق مالکیت فکری نه تنها باعث افزایش میزان سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری بلکه باعث افزایش کیفیت آن و انتقال پیشرفته ترین فناوریها می گردد.

ثالثاً، اهمیت مصادیق مختلف حقوق مالکیت فکری برای بخشها یا صنایع مختلف تفاوت دارد. برای مثال، حمایت از حق اختراع برای صنایعی مثل تولید محصولات شیمیایی، دارو، موتور و توربین، الکترونیک یا تجهیزات صنعتی اهمیت زیادی دارد، ولی در حوزه هایی مثل چاپ و نشر، آثار سمعی- بصری، نرم افزار یا پخش رادیو تلویزیونی، حمایت از حق نسخه برداری و حقوق جانبی لازم است. یا گفته می شود که افزایش حمایت از علائم تجاری (نام و شهرت) بویژه باعث افزایش واردات محصولات مبتنی بر فناوری نسبتاً پایین- مثل پوشاک و سایر محصولات مصرفی- می شود، حال آن که حمایت از حق اختراع برای محصولات مبتنی بر فناوری پیشرفته تر اهمیت بیشتری دارد. همچنین، گفته می شود که در صنایع شیمیایی یا فناوری زیستی (بیوتکنولوژیک) که نوآوری در زمینه فرایندها (**process innovation**) بیشتر است، حمایت از اسرار تجاری یا اطلاعات افشانشده بر حمایت از حق اختراع ترجیح داده می شود. برای ثبت اختراع باید اطلاعات فنی مربوط به آن افشا و عرضه شود و این امر برای نوآوریهای مربوط به فرایندها مثل فرایندهای بیوتکنولوژیک که نسبتاً براحتی قابل تقلید هستند و حفاظت از آنها دشوارتر از حفاظت از نوآوریهای مربوط به محصولات است مناسب نیست. بعلاوه، ثبت اختراع هزینه زیادی هم دارد. طرحهای صنعتی (**industrial designs**) هم برای بخشها یا کالاهای مصرفی مثل پوشاک، مبلمان، خودرو سازی یا الکترونیک حایز اهمیت است. مدلهای کاربردی (**utility models**) یا اختراعات کوچک نیز به نوآوریهای کوچک مربوط می شود- در مقابل حق اختراع که به نوآوریهای بزرگ مربوط می شود- و به همین دلیل برای کشورهای در حال توسعه مناسب است که نوآوریهای کوچک در آنها بیشتر دیده می شود. مدلهای کاربردی در مقایسه با حق اختراع معمولی مستلزم نوآوری کمتر و متضمن مدت حمایت کوتاهتر است. بعلاوه، هزینه ثبت مدلهای کاربردی، به دلیل کوتاهتر بودن بررسی ماهوی آنها، کمتر است. این ویژگیها مدلهای کاربردی را برای کشورهای در حال توسعه و شرکتهای کوچک و متوسط جذابتر می سازد.

از طرف دیگر، اگرچه حمایت از حقوق مالکیت فکری یکی از عوامل مهم در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انتقال فناوری است، ولی عوامل بسیار دیگری هم در انتقال فناوری به شیوه‌های مختلف آن دخیل هستند که می‌توانند تأثیر حقوق مالکیت فکری را تقویت یا نقش بر آب سازند. به همین دلیل، برای جذب فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی نه تنها به حقوق مالکیت فکری بلکه به عوامل دخیل دیگر نیز باید توجه نمود و فضای کلان کشور را مساعد ساخت. از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- ثبات و امنیت؛

۲- زیرساخت‌های لازم حقوقی و نهادی (اجرا) و انسانی (نیروی انسانی ماهر) و فیزیکی (مثل ارتباطات)؛

۳- شفافیت و کارایی نظام حقوقی: جامع و روشن و قابل دسترس بودن قوانین، وجود نهادها و ابزارهای اداری و حقوقی کارآمد از جمله وجود دادگاه‌های کارآمد؛

۴- سطح توسعه اقتصادی کشورها: هر چه سطح توسعه بیشتر باشد، اهمیت و تأثیر حقوق مالکیت فکری در زمینه انتقال فناوری به سه شیوه مذکور بیشتر خواهد بود؛

۵- راهبرد توسعه، جهت‌گیری تجاری و ساختار موانع تجاری: از یک طرف، در نظام‌های اقتصادی بسته، حمایت از حقوق مالکیت فکری ممکن است خیلی روی توسعه نوآوری تأثیر نگذارد، زیرا شرایط رقابتی کافی برای تشویق نوآوری وجود ندارد و به عبارت دیگر تأثیر مثبت حمایت از حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی در کشورهای دارای اقتصاد بازتر بیشتر است و از طرف دیگر، تعرفه‌های گمرکی پایین هم باعث جذابیت صادرات گشته ولی بالا بودن آنها می‌تواند باعث گرایش به تولید در محل از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا اعطای لیسانس شود؛

۶- توانایی تقلید کشورها: هر چه توانایی تقلید بیشتر باشد، اهمیت و تأثیر حقوق مالکیت فکری در زمینه انتقال فناوری به سه شیوه مذکور بیشتر خواهد بود؛

۷- اندازه بازار و جمعیت: جذابیت افزایش تقاضا و صرفه‌های مقیاس؛

۸- تولید ناخالص داخلی سرانه یا قدرت خرید مردم؛

۹- هزینه عوامل تولید از جمله نیروی کار؛

۱۰- هزینه حمل و نقل: پایین بودن این هزینه‌ها باعث جذابیت صادرات ولی بالا بودن آن می‌تواند باعث گرایش به تولید در محل از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا اعطای لیسانس شود؛

۱۱- وفور منابع؛

۱۲- سطح مالیاتها: برای مثال، پایین بودن مالیات بر درآمد شرکتها می‌تواند باعث تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود و برعکس؛

۱۳- مقررات سرمایه‌گذاری و مشوقهای تولیدی؛

۱۴- مقررات رقابتی: تشویق رقابت باعث تشویق انتقال فناوری پیشرفته‌تر و کاهش قیمتها می‌شود؛

۱۵- خصوصی‌سازی و اندازه بخش خصوصی: ایجاد فرصتهایی برای دستیابی به تسهیلات تولیدی داخلی؛

۱۶- فساد: ترس از عدم رسیدگی کافی به شکایتهای حقوقی مثلاً در صورت نقض حق اختراع.

بدین ترتیب، در سیاستگذاری برای توسعه نوآوری و انتقال فناوری نه تنها حقوق مالکیت فکری بلکه عوامل دخیل دیگر را هم باید در مد نظر قرار دهیم، وگرنه آثار متعارض آنها ممکن است اهداف ما را نقش بر آب سازند.

در ایران، برخلاف حوزه کپی‌رایت (حق نسخه‌برداری) که هنوز قوانین قدیم حاکم است و با استانداردهای جهانی فاصله زیادی داریم (به رغم تلاشهای سالهای اخیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تدوین و تصویب لایحه جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط و لایحه الحاق به کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری و کنوانسیون رم برای حمایت از اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیوتلوویزیونی)، در زمینه حقوق مالکیت صنعتی از نظر قانونی پیشرفتهای خوبی داشته‌ایم و در سالهای اخیر از یک سو با تصویب قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علایم تجاری در سال ۱۳۸۶ و از سوی دیگر با پیوستن به کنوانسیونها و نظامهای بین‌المللی کسب و حفظ حقوق مالکیت فکری مانند موافقت‌نامه مادرید درباره ثبت بین‌المللی علایم و پروتکل آن و معاهده همکاری درباره حق اختراع (PCT)، شرایط ثبت و حمایت از حقوق مالکیت فکری تسهیل شده است. با این حال، با وجود قوانین نسبتاً خوب ایران در زمینه حقوق مالکیت صنعتی و سرمایه‌گذاری خارجی، طبق گزارشات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در جهان، ایران اصلاً رتبه خوبی در زمینه جذب

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به گونه‌ای متناسب با وزن و ظرفیت خود نداشته است و تحریم‌های اقتصادی تحمیلی هم این وضع را بدتر کرده است. بر این اساس، به نظر می‌رسد که پایین بودن رتبه ایران در این زمینه بیشتر معلول عوامل دخیل دیگر و به طور کلی نامساعد بودن فضای کسب و کار باشد که از قضا طبق گزارشات مربوطه نیز ایران در این زمینه رتبه بسیار پایینی دارد.

تایید کننده: وحید بزرگی <input type="checkbox"/>	تایید مدیر ذیربط:	تایید حوزه ریاست:	تایید رییس موسسه:
---	----------------------	-------------------	----------------------